

سرمقاله

آیا حکومت می تواند به تعهداتش عمل کند

حفیظ الله زکی

نشست پروکسل برای افغانستان یک موفقیت به حساب می آید. تعهدات مالی جامعه جهانی این امیدواری را به وجود آورد که تا چهار سال آینده افغانستان از حمایت های جامعه جهانی برخوردار می باشد.

در پانزده سال گذشته اختلاف ها و ناهماهنگی های اعضای ائتلاف جهانی مبارزه با تروریسم و سیاست های مبهم و چند پهلو حکومت در قبال گروه های شورشی و سهل انگاری در بخش مصرف کمک ها و تطبیق پروژه ها و نبود نظارت مؤثر در این زمینه، از یک سو روند مبارزه با تروریسم را با اشکال و بن بست مواجه کرد و از سوی دیگر دستاوردهای جامعه جهانی را در مورد بازسازی و توسعه اقتصادی افغانستان به حد اقل کاهش داد. پانزده سال حمايت و کمک جامعه جهانی گرچند تغییرات بنیادی و عمیقی را در بخش های گوناگون به وجود آورد؛ اما این انکشافات نسبت به حجم قابل توجه کمک های جامعه جهانی بسیار ناچیز و اندک بود.

مدیریت ناسالم کمک ها سبب شد که باندهای بزرگ فساد در افغانستان شکل بگیرد. باندهای ریز و درشت فساد برای سؤ استفاده های بیشتر از کمک ها، تلاش می کردند تا کمک ها را به سوی مناطق ناامن سوق دهند. این عمل در عین حالی که قیمت پروژه ها را به پیمان نامنی تا چند برابر بالا می برد، به دلیل عدم نظارت از تطبیق پروژه ها امکان حیف و میل بودجه پروژه ها را به صورت کامل فراهم می کرد.

اگر امروز گزارش های در باره مکاتب خیالی، شفاخانه و کلینیک خیالی، پروژه های آبرسانی، زراعت و باغداری خیالی، به نشر می رسند، به دلیل سیاست و مدیریت ناکارآمد جامعه جهانی در مورد نحوه مصرف کمک ها در افغانستان بوده است.

کمک های بی حساب و کتاب جامعه جهانی علاوه بر این که اصل کمک ها را هدر داد، به ریشه دار شدن پدیده فساد در ادارات و مافیایی شدن تعاملات اقتصادی در کشور منجر شد.

تأکید بیشترین روی عملکرد جامعه جهانی به این دلیل است که در سال های گذشته بیش از هشتاد درصد کمک ها از طرف کشورهای کمک کننده و مطابق سیاست های خود آنها در افغانستان به مصرف می رسید و تنها بیست فیصد کمک ها شامل بودجه می شد.

این خلأ امروزه هم جامعه جهانی متوجه شده و هم مردم و حکومت افغانستان. از همین رو آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا بیشترین فشار را روی حکومت افغانستان وارد کرده تا از این به بعد شفافیت را در مصرف کمک ها به وجود آورده و با فساد اداری به گونه مؤثر مبارزه کند.

تجولی که در نشست پروکسل به وجود آمده یکی این است که اکثر کمک ها در چهار سال آینده از طریق بودجه حکومت افغانستان به مصرف خواهد رسید و متبانی آن، از طریق خارجی ها در هماهنگی با حکومت افغانستان با در نظر داشت اولویت ها به مصرف می رسد. حکومت بخش های زراعت، سرک سازی، پروژه های زیربنایی و تامین حقوق زنان، را از اولویت های کاری خود بر شمرده است.

تجول دوم این است که کمک های وعده داده شده به منظور خودکفایی حکومت و بهبود وضعیت زندگی مردم، در صورتی پرداخت می گردد که حکومت افغانستان به تمام تعهداتی که در کنفرانس تکیو و بروکسل نموده، عمل کند.

حکومت در کنفرانس بروکسل به مصرف شفاف کمک ها، مبارزه جدی با فساد اداری، رعایت حقوق زنان و اطفال، حکومتداری خوب، آوردن اصلاحات لازم، افزایش عواید و رشد سرمایه گذاری در کشور تأکید نموده است.

حال مهم این است که آیا حکومت افغانستان که از یک طرف از ظرفیت و توانایی پایین در تطبیق سیاست های اقتصادی برخوردار است و از طرف دیگر با فساد درگیر می باشد، می تواند از این کمک ها برای نوسازی زیربنای اقتصادی در کشور بهره برده و با ایجاد میکا نیزم کارا، شفافیت را در مصرف کمک ها تأمین و مؤثریت کمک ها را در کاهش فقر و بیکاری در افغانستان تضمین نماید؟ این در حالی است که ادارات افغانستان سالانه قادراند کمتر از ۵۰ درصد بودجه انکشافی خود را به مصرف برسانند.

عاشورا؛ شور همراه با شعور

رضا احسانی



است که در قیام امام حسین جنبه های نظامی رویداد؛ یعنی شکست و پیروزی در جنگ کاملاً تحت شعاع پیام ها و هدف های عاشورا قرار می گیرد و رسالت و مسؤلیت زینب از شمشیر و شجاعت عباس اهمیت بیشتری پیدا می کند. چرا؟ چون جنگ کربلا یک رویارویی نظامی به معنای واقعی کلمه نبود که پیروزی و شکست در آن هدف نهایی تلقی شود. در اینجا پیروزی و شکست به رساندن پیام و آگاهی دادن از محتوای پیام و برملا کردن توطیه های سیاسی حکومت در برابر امت اسلام، معنا پیدا می کند. پس قیام امام حسین (ع) را باید بربنای منطق، عقل، آموزه ها و ارزش های دینی تحلیل و تفسیر کرد. لشکر یزید در رویارویی نظامی پیروز شد و امام حسین و یارانش را شهید کرد و اهل و عیالش را به اسارت گرفت. ولی از بعد معنوی، سیاسی و اجتماعی این قیام امام حسین به پیروزی رسید. چون بسیاری از اهداف قیام امام حسین در نتیجه تأثیرگذاری رویداد عاشورا در باورها و رفتارهای مردم، به تدریج تحقق پیدا کرد. بنابراین دهه محرم فرصتی بی نظیر و بی مانندی برای علماء و مبلغان دینی فراهم

حکمرایان قرار گرفته بود. حقوق انسانی پایمال و احکام اسلامی در روابط اجتماعی مورد توجه قرار نمی گرفت. وابستگی قومی و خانوادگی جای لیاقت و شایستگی را گرفته بود. جهل و خرافات فراگیر شده بود و از دین به عنوان ابزاری در خدمت سیاست و کسب قدرت استفاده می شد. امام حسین با توجه به موقعیت اجتماعی و دینی اش نمی توانست در برابر این همه انحراف ها، کجروی ها و بدعت ها، سکوت کند و بی تفاوت بماند. او ناچار بود که این بدعت ها را برملا کند و مکلف بود که دین راستین و واقعی را برای مردم معرفی کند و وظیفه و مسؤلیت داشت که به اصلاحات اجتماعی دست بزند و روابط مردم و حکومت را بر مبنای آموزه های دینی استوار سازد. ولی امام حسین برای انجام مسؤلیت های دینی و اجتماعی خود، شمشیر تکشیدوی برای جمع آوری لشکر فراهم آوری تجهیزات نظامی تلاش نکرد. این یزید و دارو دسته اش بود که حضور امام را تحمل نتوانستند و تبلیغ آن حضرت را برای دوام حکومت ظالمانه خود خطرناک تلقی کردند و دستور کشتن آن حضرت را صادر کردند. از همین جهت

با روشنی بیان کرده و هیچ نکته ابهامی در آن باقی نگذاشته است. امام حسین در موقعیتی قرار داشت که خرافات در زندگی اجتماعی و تملق، چاپلوسی و محافظه کاری در حیات سیاسی به یک فرهنگ تبدیل شده بود. به حق عمل نمی شد و جلو باطل گرفته نمی شد. در بسا موارد حق بجای باطل و باطل بجای حق جلوه گر می شد. در جای دیگر امام حسین برای تشریح رویداد استثنایی به شمار نمی آید. چیزی که رویداد عاشورا را برجسته ساخته و آن را در تاریخ بشهر ماندگار ساخته است، ابعاد گوناگون دیگر این قیام عظیم و باشکوه است که آن را جذاب تر، دلپذیرتر و شور آفرین تر کرده و آرمان و اهداف قیام را با آرمان های انسانی گره زده است. راز ماندگاری و جاودانگی عاشورا نیز در همین است که اهداف قیام امام حسین (ع) با اهداف و آرمان های انسانی تبدیل شده است و به صورت یک مرام و خواست همیشگی انسانی نسل اندر نسل تعقیب و بی گیری شده است. اهداف عاشورا را می توان از فرموده های رهبر قیام عاشورا حضرت امام حسین (ع) فهمید. امام حسین خود اهداف قیام خود

دشواری های جنگ نیروهای امنیتی با گروه طالبان

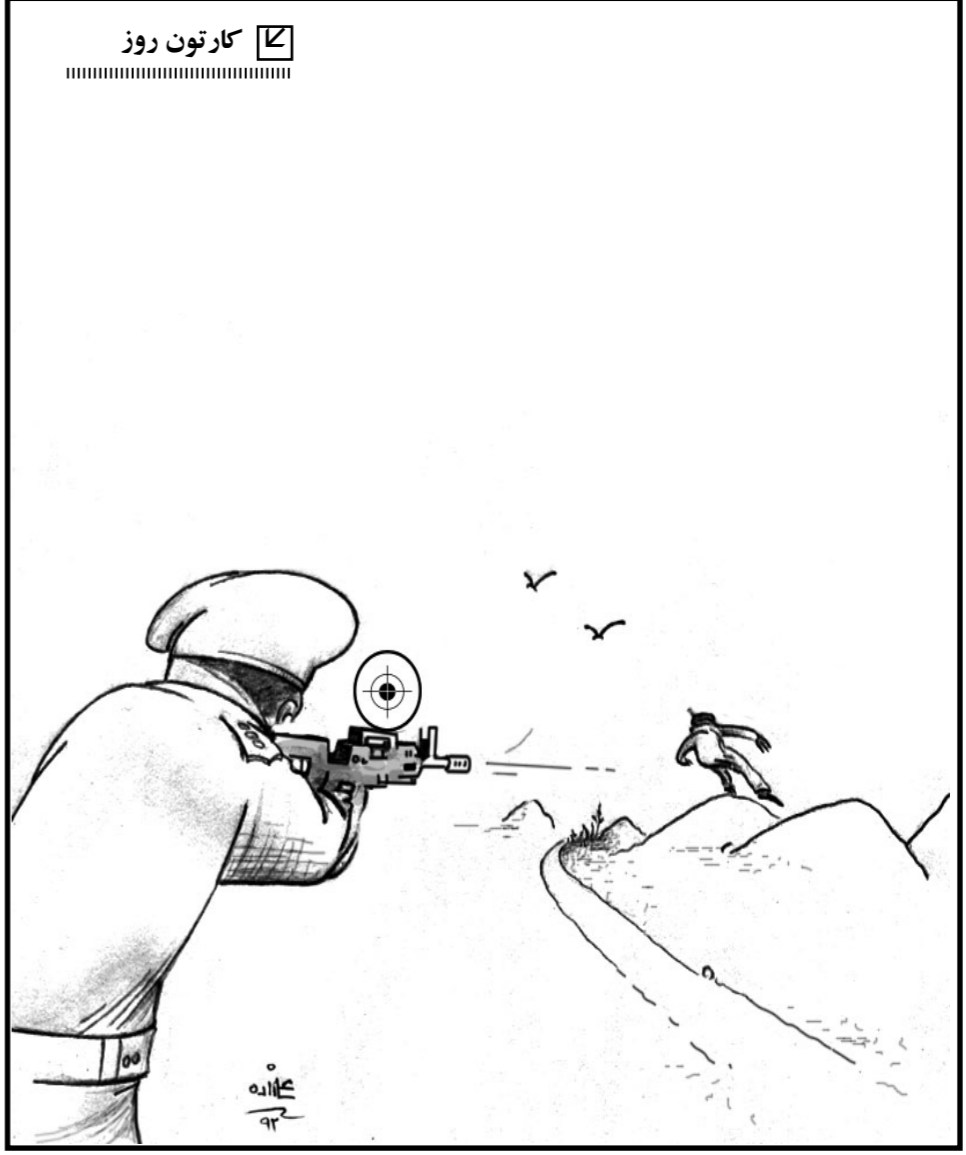
کند و بعد از مدتی دوباره حمله می کند. جنگ به این صورت منجر می شود تا انرژی و نیروی نیروهای امنیتی کشور تحلیل برود. پاسخ به این تاکتیک گروه طالبان تنها با تعقیب نمودن گروه طالبان ممکن است. در واقع، نیروهای امنیتی کشور باید گروه طالبان را بعد از شکست تحت تعقیب قرار دهد و نگذارد که گروه طالبان در یک منطقه مستقر شده و خود را بازسازی نموده و دوباره حمله نماید. اگر چه تعقیب نمودن گروه طالبان تا حد زیادی سخت و دشوار است. زیرا، گروه طالبان در مواقع فشار بیل و گلنگ را بر می دارد و خود را در نقش دهقان جا می زند. همین مسئله جنگ با گروه طالبان را سخت و دشوار نموده است. طالبان توسط مردم می تواند ضربه سخت و سنگین به گروه طالبان وارد نماید و این گروه را وادار به صلح نماید. با این حال، حمایت مردم از نیروهای امنیتی و حکومت مرکزی بدون رابطه و همکاری دو جانبه ممکن نیست. در صورت که مردم از حکومت و نیروهای امنیتی کشور حمایت کند و در جنگ با گروه طالبان همکاری نماید اما در مواقع که گروه طالبان بر منطقه حمله می کند و نیروهای امنیتی نتوانند جلوی حمله گروه طالبان را بگیرد در آن صورت مردم بیش از پیش متضرر می شود. زیرا، در آن صورت، گروه طالبان بر مردم رحم نخواهد کرد. بنابراین، جلب حمایت مردم ضرورت به همکاری دوجانبه گسترده دارد. مردم در عین حال که آمادگی حمله گروه طالبان به حکومت و نیروهای امنیتی کشور را گزارش می دهد در جانب مقابل، نیروهای امنیتی کشور باید حمله گروه طالبان را خنثی نماید تا هیچ ضربه ای به مردم وارد نگردد. جدا از این مسائل دشواری جنگ از فقدان اراده سیاستمداران کشور در سرکوب گروه طالبان نیز هست. واقعیت امر این است که گروه طالبان همزمان در کندوز، هلمند، ارزگان و فراه بسا نیروهای امنیتی کشور می جنگد اما، سیاستمداران کشور همچنان آن ها را براساس ناراضی و مخالف سیاسی می پندارد. آن ها دشمن حساب نمی شود. نیروهای امنیتی کشور برای جنگ با دشمن آموزش داده شده اند. توقع اینکه آن ها با مخالفان سیاسی بجنگد سخت و دشوار است. در وضعیت کنونی، گروه طالبان هزینه سنگین تر از داعش بر مردم و حکومت و نیروهای امنیتی کشور وارد می کند. ما برای شکست گروه طالبان قبل از هر چیز ضرورت به دشمن پنداشتن این گروه داریم.



توجه به استراتژی جدید گروه طالبان و تکمیل جنگ بر مردم ملکی ضرورت دارد که نیروهای امنیتی کشور خود را بیشتر هماهنگ نماید تا بتواند حملات این گروه را خنثی سازد. در وضعیت که گروه طالبان از مردم ملکی به عنوان سپر دفاعی استفاده می کند به بسیج مردم علیه گروه طالبان راهکاری اساسی دیگر و مهم است. بسیج مردم به معنی مسلح سازی مردم نیست. بلکه بسیج مردم به معنی کسب رضایت مردم و افزایش مشروعیت حکومت است تا مردم هیچ نوع همکاری با گروه طالبان ننمایند. بدون همکاری مردم ما قادر به شکست گروه طالبان نخواهیم شد. زیرا، حمله بر طالبان که در خانه های مردم جا گرفته اند منجر به تخریب خانه ها و تحميل هزینه می شود. در آن صورت میزان ناراضیهای افزایش یافته و مردم بیشتر تلاش می کند با گروه طالبان همکاری نماید. بنابراین، حکومت ضرورت دارد تا مقبولیت خود را در میان مردم گسترش داده و نگذارد که مردم گروه طالبان را بر حکومت برگزینند. مسئله دیگر که جنگ با گروه طالبان را برای نیروهای امنیتی کشور دشوار نموده است تاکتیک حمله و فرار گروه طالبان است. گروه طالبان در این اواخر بر منطقه های حمله می کند و بعد از تشدید حملات نیروهای امنیتی کشور فرار می

کنند و هلمند هم اکنون وارد خانه ها شده اند و از مردم ملکی به عنوان سپر دفاعی استفاده می کند. نیروهای امنیتی کشور به خاطر حفظ جان و مال شهروندان نمی توانند بر آن ها حمله نمایند. از بزرگترین چالش فراروی نیروهای امنیتی کشور در جنگ با گروه طالبان است. استفاده از خانه های شهروندان و مردم ملکی به عنوان سپر دفاعی جنگ را طولانی ساخته و خارج نمودن گروه طالبان از شهرها را دشوار نموده است. در چنین شرایطی نیازمند دو استراتژی بنیادی می باشیم. اول: حکومت و نیروهای امنیتی در شرایطی که گروه طالبان از مردم ملکی به عنوان سپر دفاعی استفاده می کند باید نگذارد که گروه طالبان بر شهرها و ولسوالی ها حمله نماید. این کار ضرورت به افزایش ظرفیت استخبارات و بخش کشف نیروهای امنیتی کشور است. در کنار آن هماهنگی نهادهای سه گانه امنیتی برای حمله و سرکوب نمودن گروه طالبان. اگر حملات گروه طالبان خنثی نگردد در آن صورت سخت و دشوار است که بتوان آن ها را از شهرها و خانه های مردم بیرون کشید. جنگ به شکل کنونی منجر می شود که مردم هزینه جنگ را بپردازد. به عبارت دیگر، اگر نیروهای امنیتی کشور حملات گروه طالبان را در ولایات مختلف خنثی نسازد هزینه جنگ به دوش مردم خواهد افتاد. بنابراین، با

نیز می شود. از این جهت، ضرورت جدی به پرداختن به مقوله جنگ با گروه طالبان احساس می شود. با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی و خروج نیروهای بین المللی وضعیت امنیتی کشور هر روز وخیم تر شد. بخش اعظم ششان به خاطر خروج نیروهای بین المللی از افغانستان بود. پارسال، زمانی که شهر کندوز سقوط کرد و به دست گروه طالبان افتاد. ایالات متحده آمریکا نسبت به پیش روی گروه طالبان احساس خطر نمود. باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا به نیروهای آمریکایی صلاحیت بیشتر داد تا نیروهای امنیتی کشور را در میدان جنگ همراهی نماید. قبل از این، نیروهای بین المللی تنها مسؤلیت آموزش و مشوره بر مواضع داعش و گروه طالبان را بدهد. بازگشت مجدد نیروهای بیسن المللی به میدان جنگ افغانستان باعث شد که گروه های شورشی به خصوص گروه طالبان تغییرات در تاکتیک های جنگی خود به وجود آورد. این تغییرات چالش ها و مشکلات زیادی را برای نیروهای امنیتی کشور خلق نموده است که جنگ با این گروه را دشوار می سازد. گروه طالبان از در خانه و مردم ملکی به عنوان سپر دفاعی استفاده می کند. گروه طالبان در دو ولایت



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگ دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷